

دو کلمه هروی

طبقات الصوفیه از امالی خواجه عبدالله انصاری پیر هرات کتاب معتبر و نفیس زبان دری ولهجه هروی است که تاکنون طبع و نشر نشده و از نسخ خطی آن هم فقط چهار نسخه سراغ داریم، که یکی در کلکته و سه تای آن در تورکیه است، و نویسنده حروف موفق شده ام که متن این کتاب نفیس افغانستان را از روی تمام نسخ مکشوفه باصول انتقادی بانسخه بدل و تعالیق و توضیحات و حواشی برای طبع حاضر کنیم. و در آخر آن فرهنگ لغات و کلمات و مصطلحات و تعبیر خاص آنرا نیز بنویسم.

این کتاب علاوه بر فوائد تاریخی و رجالی و مباحث دقیق تصوف مشحون است به کلمات و نوادر ادبی و لسانی که درک نکات و فوائد آن برای هر کسیکه در ادب نثر قدیم زبان دری جستجو و کنج کاوی دارد خالی از دلچسپی و کمال میل و استفاده نخواهد بود زیرا ریشه های بسا از کلمات و الفاظ باصور کهن آن ازین کتاب پدیدار می آید که نکته آن شامل فوائد نهمار ادبی و لسانی است، که درینجا فقط بدو کلمه هروی و صور کهنه آن اشاره می شود:

گازیارگاه

در شمال هرات به فاصله دو میل مشهوریست که مدفن شیخ الاسلام انصاری و بسا بزرگان دیگر علم و تصوفست و اکنون گازرگاد

گویند، ولی این نام در طبقات الصوفیه امالی انصاری مکرراً (کازیارگاه) آمده، که گاهی املاى آن باختلاف نسخ تغییر کرده مثلاً در نسخه خطی موثوق اقدم کتب خانه ناقد پاشای استانبول که در (۶۷۱ هـ) نوشته شده (کازیارگاه) و در نسخه های نور عثمانیه استانبول (تحریر ۸۳۹ هـ) و نسخه جمعیت آسیائی کلکته (تحریر حدود ۱۰۱۵ هـ) نیز گاهی بهمان صورت و گاهی کازارگاه - کاربارگاه است که املاى نخستین آن ثقت و کثرت دارد و گاهی هر سه نسخه مذکوره در ضبط آن متفق اند.

ازین اسناد پدید می آید که املاى قدیم این کلمه کازیارگاه بود که یاقوت هم همین املا را نوشته و در مراصد الاطلاع (ص ۳۲۴) کازیارکوه طبع کرده اند. سیفی هروی در تاریخ هراى همواره (کازرگاه) می نویسد (ص ۲۲۰ - ۴۱۷ - ۴۴۱) که در طبقات ناصری منهاج سراج نیز چنین است و همین املا در عصر بعد مغل رواج دارد چنانچه در نسخ خطی جغرافی حافظ ابرو هم (کازرگاه) است و حضرت جامی نیز در نفحات مکرراً همین املا را آورده (ص ۳۱۸/۳۱۹ و غیره) و در عباس نامه (ص ۱۰۹) هم کازرگاه است:

جامی در قصیده وصف کازرگاه گوید:

پیر هرات زبده وصف انصاریان که سود
بر طاق چرخ قبه دهلیز او کلاه
کازرگهی است تربت او کابر مغفرت
در ساختش سفید کنند نامه سیاه

معین الدین اسفزاری (۸۹۹ هـ) که خود وی در هرات میزیسته و روضات الجنات را در اوصاف شهر هرات نوشته این کلمه را مکرراً با املاى (کازرگاه) می نویسد (ج ۱ ص ۴۳/۸۳/۸۵/۸۲) و باز تصریح میکنند که درین صحرا جنگی در (۲۰۶ هـ) بین حمزه خارجی (سیستانی) و عبدالرحمن بن عبدالله حکمران نشاپور در گرفت و آنرا

صحرای کارزارگاه گفتند که به تحریف و غلط عوام به گازرگاه شهرت یافت.

(روضات الجنات ج ۲ ص ۵۰)

وبار تولد در جغرافیای تاریخی خود نیز همین قول اسفزاری را نقل نموده است (ص ۱۱۰). ولی این قول اسفزاری بنا بر قدامت املاى کازیارگاه مورد تامل است و چنین بنظر می آید که نام گازرگاه غیر ازینجای هرات در بلاد دیگر هم موجود بود و حائى که تربت شیخ سعدی در شیراز واقع بود نیز گازرگاه نامداشت (برهان قاطع ۱۷۶۳/۳) و نیز دهی از دهستان بکش در فهلیان فارس بهمین اسم نامیده می شود (فرهنگ جغرافی ایران ۱۹۸۰۷).

بهر صورت از اقوال انصاری در طبقات الصوفیه پدید می آید که کازیارگاه هرات از زمان قدیم معروف و مقرر مشایخ بزرگ و پورشناه ارباب ذوق و تصوف بود.

در نسخهای خطی طبقات ابن رجب (ج ۱ ص ۸۴) املاى آن (کازرگاه) بود مصحح نسخه مطبوعه آنرا باستناد قول یاقوت (کازیارگاه) ساخته. (۱) چون یاقوت خودش بلاد خراسان را دیدن کرده و درین مورد تصریح مینماید که: "بعد الالف زای ویاء مشاه و الف و راء" بنا بران توان گفت که همین املاى سخ طبقات الصوفیه اصیل و معتبر است. و تا وقتیکه سندی قدیمتر و استوارتر دیگر بدست نیاید، همین املا را مدار اعتبار توان شمرد.

خدابان

این کلمه در هر سه نسخه خطی طبقات صوفیه در (ص ۴۳۲/۴۳۳/۴۵۶) مکرراً خدابان نوشته شده که بر دال علامت شد را هم گذاشته اند و این نام جای بسیار مشهوریست در هرات. که اکنون خاندان کونیه حامی نیز بجای آن خاندان آورده که در زمان قدیم تا

اواخر عهد غزنویان آنرا خدایان میگفتند بیهقی (ج ۲ / ۷۱۸) در عرضه لشکر شهر هرات گوید: امیر مسعود لشکر خود را در دشت خدایان هرات دید، این کلمه را کاتبان و طابعان بیهقی به خداهان مسخ کردند، ولی صحیح آن بدون شبهت خدایان است که در تاریخ سیفی (ص ۴۴۱) در جمله مقابر معروف هرات چون گازرگاه نام آن خیادوان چاپ شده و همچنان در (ص ۷۱۴) همین کتاب دشت خیادوان (۱) هرات آمده که طابع آن کتاب ملتفت صورت صحیح آن نشده و علامت استفهام (؟) را بران گذاشته است.

یاقوت این جای را بصورت قدیم خدایان بضم اول از نواحی هرات نوشته (معجم البلدان ۲/۳۴۹) و بر حاشیه (ص ۱۰۹) عباس نامه طاهر قزوینی خیادوان است اما در حبیب السیر و مطلع سعدین مکررا خیابان آمده و در رساله طائری زیارتگاهی معاصر سلطان حسین بایقرا که نسخه خطی آنرا در لاهور نزد دکتور محمدشفیع دیده ام در وصف شهر هرات غزلیست که یکتا بیت آن اینست:

خیابان پر ز خوبان باد دایم

که فرع این جمال آبد کمالش (ورق ۱۳)

در هر دو جلد روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات نیز مکرراً خیابان آمده و این بیت حضرت جامی را می آورد:

حدیث روضه مکن جای این نه بس مارا

که در سواد هری ساکنین خیابانیم (ص ۲۲ ج ۱)

اسفزاری در مدح خیابان هرات به تفصیل وارد گردیده و گوید: "در همه زمان و ادیان معابد و عیدگاه و مقابر و نزهتگاه خواص و عوام بوده (چنانکه حالا مصلی و گشت جای مسلمانانست. و در زمان سابق اورا "کوی خدایگان" میگفتند، و بعباره فرس خدایگان پادشاه را گویند (ج ۱ ص ۸۶ روضات) چون در حصه جغرافی کتاب حافظ ابروی هروی نیز (خیابان) ضبط شده بنا بران میگوئیم ضبطهای قدیم

این نام خدایان و خیادوان بوده و بعد از سنه (۸۰۰ هـ) آنرا خیابان نوشته اند.

اما قول اسفزاری که این کلمه از "کوی خدایگان" گرفته شده باشد باز محل تامل است زیرا از روی معاییر لسانی تخفیف یا نرحیم این کلمه به خدایان و باز خیادوان و باز خیابان بعید بنظر می آید. و چون این کلمه را در فرهنگهای قدیم فارسی ضبط نکرده اند، بنا بران قدمت آن بهمین شکل و اصل و ریشه آن در خور غور و تحقیق است و باید دید که اصل آن چه بوده و از کدام منبع نشئت کرده است؟ (۲)

ماخذ

(۱) ذیل طبقات الحنابلہ از عبدالرحمان بن شهاب الدین احمد ابن رجب بغدادی حنبلی متوفی (۷۹۵ هـ) طبع هنر لاوست دمشق ۱۹۵۱ م (ج ۱ ص ۸۴)

(۲) مجله انبیا، سال ۱۳۴۰، شماره ۱۲، ص ۱۰۴